

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

تاریخی	Historical
--------	------------

ملالی موسی نظام
ورجینیا، آگست ۲۰۰۸

اتکاء به تاریخ و استناد بر آن

وجیبه هر افغان وطنپرست است

آگاهی به حقایق تاریخی، حق هر افغان است

واقعیت های تاریخی امانت قیمنداری است که نسل امروز وظیفه و وجیبه حفظ اصالت، بقا و انتقال آنرا در کمال امانت داری به نسل های آینده و اوراق تاریخ دارد. با يك قطبی شدن جهان و انکشاف سرسام آور تکنالوژی، دیگر نشر گوشه ای از تاریخ زمان و مکان بخصوصی ضرورت ندارد که به دسترس خواننده قرار بگیرد، یعنی در يك چشم بهم زدن هزاران مضمون و محصولات تصویری از یکسر جهان به سر دیگر آن منتقل گردیده و به دید بیشمار افرادی که به کمپیوترها دسترس دارند میرسد. برداشت و قضاوت در مورد معلوماتی که امکانات تکنالوژی امروزی چنین سرعت بخشیده است، البته متفاوت بوده و بر مبنای معلومات عمومی و عقاید اشخاص فرق مینماید. ولی و اما و مگر چون تاریخ صرف عبارت است از بیان حقایق، در مورد واقعات و گزارش های تاریخی باید نکات و اساسات ذیل بدون هیچگونه تغییر روشی، در کمال امانت داری، مراعات شده و مرعی الاجراء گردد:

اول: حوادث و وقایع تاریخی در يك جامعه حتمی صورت گرفته است، چه شواهد عینی آنرا ثبت و حفاظت کرده باشند و چه قلم بدستان در آن وظیفه تحریر و بیان آنرا اجرا نموده باشند، حقیقت اینست که آن رویداد بهر حال بوقوع پیوسته است. اینکه گوشه های تاریخ آن چه زمانی و چگونه روشن شده و به زیور صداقت و امانت داری آراسته گشته و ثبت اوراق تاریخ گردیده و به اختیار ملت و جهان گذاشته میشود، در شرائط امروزی دیر نخواهد گذشت. نمونه بارز آن همین جریان قتل احمد شاه مسعود یکی از قوماندانان جهادی از جبهه پنجشیر است که شایع گشت که عملیه قتل وی توسط يك خبرنگار و يك عکاس عرب صورت گرفت که علی الرغم مخالفت قوماندان مذکور به پذیرفتن آنها یا هر خبر نگار و عکاس دیگری، اجازه ملاقات به کمک عبدالله عبدالله، فهیم، قانونی و سیاف صورت گرفت. درین جریان که عکاس بخت برگشته عرب با مسعود بقتل رسید، خبر نگار عرب که شاهد جریان بود هم توسط گارد بی موجب کشته شد درحالیکه هیچ امکان فرار وی از آن منطقه موجود نبود. اینکه چرا همراهان مسعود که در همان اتاق حاضر بودند، با تمام وفاداری شان به وی به این امانت داری نیاندیشیدند که به خاطر تاریخ و یا به لحاظ نزدیکی به او اقلاً از موجودیت کمره سالمی که نه تنها انفلاق ننموده بود، بلکه از حادثه انفجاری که از بیرون صورت گرفت، کاملاً سالم باقی ماند، سخنی بمیان نیاوردند. باید گفت که درین رویداد نه تنها مسئولیت افشای حادثه کشته شدن يك شخصیت تاریخی فراموش گردید، بلکه دیده میشود که قوماندان مسعود

اصلاً درین جریان دلسوز و همراه وفاداری هم نداشت که مرگ وی را همانطوریکه صورت گرفت توضیح و تشریح نماید.

بعد از شش سال که از حادثه ترور سپری می‌گردد، در حوالی سالگروه مرگ مسعود در سال ۲۰۰۷ میلادی، در حالیکه هنوز صد ها مضمون و خبر از جریان انفجار کمره عکاس عرب « بدون سند یا تصویری از انفلاق آن» یاد دهانی و بازگو مینمود، و جریده معلوم الحال «امید» و امثالهم وظیفتمآ مقالات بیشماری از جریان حادثه و عکاس عرب «!» را تشریح و «توضیح» میکردند، در «You Tube» راپور مستند و کاملاً روشن مصاحبه محترم مسعود خلیلی که در وقوع حادثه ترور احمد شاه مسعود حضور داشت، با مصاحبه قناعت بخش وی به انگلیسی و ترجمه آن توسط خبر نگار فرانسوی به فرانسوی، یکجا با ارائه ویدیوی آخرین روز مسعود و تاریخی که بالای صفحه آن نقش بسته است (۱) به جهان عرضه می‌گردد. درین گزارش که ارزش تاریخی آن با موجودیت و شهادت محترم مسعود خلیلی و موجودیت ویدیوی از جریان آن رویداد، بدون چون و چرا میباشد، صفحات تاریخ بالاخره میتواند برحادثه ای استناد نماید که همه سفسطه سرایی های تصنعی را که به یقین بروی منظور خاصی ذهن جهانیان را منحرف میساخت در سایه قرار دهد!!

دوم : امکانات اشتباه و یا سوء تفاهمات در تاریخ همیشه موجود بوده است که درین مورد بارها خواننده ایم که در مورد يك حادثه تاریخی نظریات مختلفی از دید مورخین بیان گردیده است. ولی در عصر و زمانی که زندگانی می‌مائیم، نحوه تحقیق و مطالعات امروزی، بسرعت پرده از واقعیت های تاریخی بر میدارد، اسناد جدیدی بدست می آید و با همان يك قطبی شدن جهان، آنچه از مطبوعات، مطالعات، راپور ها و از همه مهمتر آرشیف های دولتی میسر می‌گردد، منبع و منشأ اکثر اصلاحات در قسمت اشتباهات و نکات تاریک در زمینه رویداد های تاریخی می‌گردد. در مورد تاریخ بیشتر از سه دهه افغانستان عزیز، برعلاوه صد ها راپور شاهدان عینی و آثار نویسندگان و مورخین داخلی، میتوان بر راپور ها و کتب و رساله های خارجی هم اتکا نمود، که درینصورت کمک ترجمانان امین وطن(۲) ، قابل قدر و یاد آوری میباشد.

همچنان برای بیان حقایق و رویداد های عصر و زمان خویش و یا برای اینکه هر افغان وطن پرست بتواند سهمی در افشای وقایع تاریخی و حادثات سه دهه اخیر مملکت عزیز ما افغانستان داشته باشد، باید منحنیت يك وظیفه ملی درین راه پا پیش بگذارد. طور مثال اگر خود نمیتواند بنویسد، از دوستان و فامیل کمک خواسته و معلومات خاص و حقیقی خویش را توسط آنان ارائه نماید. هستند هزاران نفر از هموطنان ما که از عصر وطن فروشان خلق و پرچم تا امروز شاهد و ناظر اکثر حوادث و وقایع در دوائر و مؤسساتی بوده اند که اجرای وظیفه مینمودند، به یقین رویداد های زیادی را بیاد دارند. اینان میتوانند با ارائه چنین معلومات ذقیمتی به حیث شهود عینی، قسمتی از صفحات تاریخ سرزمین ویران خویش را با امانت داری و صداقت رنگین نموده و خدمت بزرگی به نسل امروز و فردای افغانستان عزیز بنمایند.

سوم - در مورد تاریخ معاصر افغانستان، به یقین اطلاعات و راپورهایی که از منابع معتبری چون C.I.A و K.G.B نشرات دفاتر I.S.I و کتبی که بحیث چشمدید ها و خاطرات از مامورین سابقه این مؤسسات ، مامورین عسکری و ملکی افغان که شواهد عینی بوده اند و تعداد زیادی از جنرالان اردو، محققین و ژورنالستان، به وفرت به نشر میرسد، از ارزش و اعتبار کلی برخوردار میباشد. درین سی سال برپادی افغانستان بدست همسایگان غدار و گماشتگان داخلی آنان، دیده میشود که فیصدی آنانیکه بر علیه اینهمه آثار و راپور های مستند تاریخی قد علم کرده اند، ناچیز بوده و استدلال ناقص آنان اکثرأ بر ضد ادعا و مفکوره شان، اضرار زیادی را سبب گردیده است ، چنانچه ضعف منطق آنان، دلائل و شواهد بیشتر تحقیقاتی را در دسترس مطبوعات جهانی قرار داده است.

بنابراین، امروز دیگر نمیشود که مانند آن افرادی که در خواب راه میروند، به قهرمان سازی و تحریف وقایع میرهن تاریخی خود را فریب داده و به حلوا حلوا گفتن دهن خود را شرین نماییم. جای تعجب و تاسف است که هنوز که هنوز است عده معدودی از قلم بدستان، به آنچه در بالا تذکار یافت یا باور ندارند و یا اینکه از خطراتیکه در چنین عصر و زمانی صرف بیان يك اشتباه تاریخی بمیان می آورد، آگاه نیستند. در مورد مبالغه و سفسطه گوئی در قهرمان سازی و تحریف وقایع تاریخی در مورد آن، بزرگترین خطر متوجه همان قهرمان نمایانی می‌گردد که هواداران شان شرح و تفصیل زندگی نامه و یا حوادث تاریخی عصر و زمان آنانرا، سوای آنچه بوده به اجتماع و مردم می‌شناسانند. اینان با دسترسی به سایت های کمپیوتری و دیگر رسانه ها با چشم پوشی از صد ها راپور، کتب، خاطرات شاهدان عینی و راپور های رسمی قدرت های ذیدخل جهانی و اوراق روشن تاریخ، هر آنچه را آرزو دارند ، بقلم میکشند. در حقیقت چنین هواخواهان احساساتی هستند که بر خلاف مسیر آب شنا میکنند و با پامال کردن تاریخ، مولا یا قهرمان خویش را مطرح نموده و در دیدگاه و دسترس محققین، مورخین و چنانچه گفته شد، در اختیار هزاران هم وطن وابسته به تکنالولی جدید، سایت های کمپیوتری و مطبوعات داخلی و خارجی میگذارند. چنانچه گفته اند:

دشمن دانا بلندت می برد بر زمینت میزند نادان دوست

نوت :

- ۱ - نوشته محترم حمید انوری تحت عنوان « آخرین روز مسعود» با لینک یو تیوب. آرشیف احمد شاه مسعود، "افغان جرمن آنلاین"
- ۲ - مضمون ترجمه محترمه لیلی رشتیا، عنایت سراج از مقدمه کتاب « جنگ های ارواح » اثر ستیو کول نویسنده امریکایی سابق عضو برجسته سی آی ای در اسلام آباد که در همین صفحه به نشر رسیده است.